

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت

www.m_hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۳ مرداد ۱۳۸۷، ۱۳ آگوست ۲۰۰۸

mansoorfarzad@yahoo.se

سر دبیر: منصور فرزاد



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۴۲۷

دو گزارش از مهاباد

بنا به گزارشات دریافتی روز جمعه ۱۸ مرداد نیروهای اطلاعاتی و سرکوبگر رژیم در خیابانهای اصلی شهر مهاباد (از جمله چهارراه آزادی و شهرداری و ملا جامی) بدون هیچ دلیلی دست به بازرسی بدنی مردم و خصوصا جوانان زدند. همچنین بنا به گزارش دیگری صفحه ۳



مهرنوش موسوی

اعتراض شیرین عبادی به لایحه خانواده ارتجاعی است!

شیرین عبادی که به خاطر تلاشهای دوم خردادیش برای آشتی دادن اسلام و حقوق بشر جایزه دریافت نمود، نتوانست حاجت دول غربی را در مقابل بر آورده و آن زمان حساب بی حساب کند. ایشان بعدها، با شکست دوم خرداد سر سیاست خود را به سمت "زفراندوم" و انتخابات آزاد برگرداند. معلوم نشد این اسلامی

که به نظر وی تا این حد ظرفیت برای حقوق بشری شدن داشت، دیگر چه نیازی به برگزاری صفحه ۳

کارگران نساجی کردستان به تجمعات اعتراضی خود ادامه میدهند

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است روز دو شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۸۷ طبق فراخوان قبلی کارگران نساجی کردستان، کارگران ساعت ۹ در مقابل اداره کار سنندج تجمع کردند. کارگران فرش غرب بافت در اعلام همبستگی و حمایت از خواسته های کارگران نساجی

در اعلام همبستگی با کارگران نساجی کردستان تعدادی از کارگران کارخانه های پریس، فرش غرب بافت و شاهو در تجمع آنان شرکت کردند

صفحه ۶

مصاحبه با ناصر اصغری در باره اخراج کارگران نساجی کردستان

صفحه ۲

کارگران نساجی کردستان به طرف این کارخانه راهپیمایی کردند



کارگران را پراکنده و اعتراضاتشان را بی نتیجه کند. کارگران به خواست کارفرما جواب رد داده و خواهان بازگشت به کار و دستمزدهای معوقه خود هستند. کارگران نساجی کردستان! سابقه مبارزه و تلاش شما برای کسب حقوق خود قدمتی چندین ساله دارد. دستاوردهای مبارزاتی

صفحه ۳

کارگران راس ساعت ۱۲ ظهر به اعتراض خود پایان دادند. کارگران اعلام کردند فردا از درب کارخانه به طرف اداره کار سنندج راهپیمایی کرده و در آنجا دست به تجمع خواهند زد. کارفرمای این کارخانه تلاش میکند که اخراج کارگران را تحت عنوان مرخصی تابستانی قلمداد کند و با این سیاست میخواهد

روز ۲۰ مرداد ۱۳۸۷ کارگران نساجی کردستان در ادامه اعتراضات خود در ساعت اولیه صبح از میدان دوازده فروردین در سنندج به سمت کارخانه نساجی کردستان راهپیمایی کردند. کارگران با حمل پلاکاردی نوشته بودند خواهان دستمزدهای معوقه خود و بازگشت به کار هستند. در مسیر راهپیمایی نیروی انتظامی پلاکارد را از کارگران گرفتند اما کارگران به راهپیمایی خود به طرف کارخانه ادامه دادند. کارگران با رسیدن به درب کارخانه تجمع کردند. نیروی انتظامی و تعدادی از نیروهای امنیتی در اطراف این تجمع حضور داشتند.

کوروش مدرسی تعلقی به منصور حکمت و کمونیسم کارگری ندارد

خسرو شاد

صفحه ۴

در صفحات دیگر:

اعتصاب طولانی مدت کارگران لاستیک البرز ادامه دارد

حکم اعدام حبیب الله لطیفی باید لغو شود!

در باره صدور احکام زندان و شلاق بر علیه شرکت کنندگان

در مراسم اول ماه مه سنندج

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مصاحبه با ناصر اصغری در باره اخراج کارگران نساجی کردستان



ناصر اصغری

ایسکرا: کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری اطلاعاتیه ای منتشر کرده و در آن از اخراج دسته جمعی کارگران نساجی کردستان توسط هیئت مدیره خبر داده است؛ موضوع از چه قرار است؟

ناصر اصغری: همچنانکه در اطلاعاتیه مندرج در "ایسکرا" شماره ۴۲۶ آمده است، هیئت مدیره نساجی کردستان در سنجند، با نصب اطلاعاتیه ای به دروازه این کارخانه، که تاریخ ۱۴ مردادماه را بر خود دارد، اعلام کرده است که از اول شهریور ماه این کارخانه بسته خواهد شد و قرارداد هیچکدام از کارگران، اعم از دائم و قراردادی، تمدید نخواهد شد. گفته است که فکری هم به حال دستمزدهای پرداخت نشده خرداد، تیر و مردادماه خواهند کرد! اما نکته مهم و به نظر من کلیدی در این اطلاعاتیه این است که با تلاش برای ایجاد ناامنی و به گرو گرفتن نان شب فرزندان کارگران، از آنها خواسته است که "از این فرصت استفاده کنند و خود را باز خرید کنند".

ایسکرا: اهمیت این نکته در چیست؟

ناصر اصغری: مدیریت نساجی کردستان همراه با مدیران نساجی های شاهو و پریس در سنجند و کل دم و دستگاه رژیم اسلامی، چندین سال است که تلاش می کنند کارگران این مراکز را قراردادی بکنند. اما این کارگران (کارگران نساجی های کردستان، شاهو و پریس) با مبارزه ای قدرتمند و تجارب بسیار آموزنده برای جنبش کارگری ایران، تمام توطئه های آنها را خنثی کرده و موفق شدند هم جبهه ارتجاع را در تلاش برای قراردادی کردن کارگران وادار به عقب نشینی کنند و هم موفق شدند دستمزدهای پرداخت نشده خود را از آنها بگیرند. سرمایه داران اما بیکارنانشسته اند. آماري را منتشر کرده بودند که می خواهند ۹۰ درصد نیروی کار جامعه ایران را قراردادی

بکنند. اگر مقاومتی در برابر این تلاششان سازماندهی بشود مجبورند از راه دیگری وارد بشوند؛ و این دقیقاً کاری است که اینها کرده اند. متوجه شده اند که کارگران حاضر نیستند قراردادی بشوند، در نتیجه با سیاست چماق و هویج می خواهند از یک طرف با ایجاد ناامنی مبنی بر اینکه کارخانه "علیرغم میل مدیریت تعطیل خواهد شد" و از طرف دیگر با تشویق آنها به اینکه "اکنون فرصت مناسبی است که با مراجعه کارفرما خود را باز خرید کنند"، می خواهند کارگران را پای خود به پای ترک کارخانه برونند. می خواهند زیرجلکی از شر کارگران دائم و غیرقراردادی خلاص شوند.

شاید خواننده ای اصرار من را مبنی بر اینکه "دعوا بر سر لحاف ملاست" را متوجه نشود. چرا من اصرار دارم که این صحنه چینی توطئه است؟! خبرگزاری ایلنا در خبری در روز ۱۸ مردادماه در خصوص اعتراض کارگران نساجی کردستان بر علیه دستمزدهای پرداخت نشده شان نوشته است: "رئیس سازمان کار کردستان با بیان این که کمیسیون کارگری این استان نیز خواستار همکاری اداره داری برای پایان دادن به مشکل نساجی کردستان است؛ گفت: به احتمال قوی مشکل این واحد تولیدی تا چند ماه آینده برطرف خواهد شد." خوب چرا مدیریت این را به کارگران نمی گوید و در عوض کارگران را تشویق به باز خرید شدن می کند و ایجاد ناامنی می کند؟

مدیریت نساجی کردستان هر وقت با کارگران برخورد کرده است، پاسدار و اطلاعاتی او را اسکورت کرده اند. هر بار که کارگران دستمزدی از ایشان دریافت کرده اند، زیر فشار مبارزه و اعتراض بوده است. هر کارگری که اینها را نداند با مشاهده اطلاعاتیه نصب شده ایشان به دروازه نساجی، خواهد گفت: "به به! ای کاش من هم چنین کارفرمانی داشتم که قبل از بسته شدن زیر فشار

ورشکستگی می خواهد علاوه بر پرداخت پول ماه شهریور، آنها را به باز خرید نیز دعوت می کند! این تصویری است کاذب. توطئه ای است که کارفرما مجبور شده است با کارگرانی که قبلاً او را وادار به عقب نشینی کرده اند، به آن روی بیاورد؛ چرا که زور شلاق پاسدار و اطلاعاتی کارساز نبوده است.

ایسکرا: اگر کارخانه ای سوده نباشد، آیا به نظر شما کارفرما باز هم حق ندارد آن را ببندد؟

ناصر اصغری: مسئله این است که این سؤال فقط یک جنبه از قضیه را در نظر دارد. سرمایه دار حق دارد کارخانه را ببندد و پولش را در رشته دیگری سرمایه گذاری کند. اما کارگر چی؟ در این تصویر به کارگر بعنوان مهره ای از کارخانه نگریسته می شود که اگر کارخانه بسته شد، عذر کارگر هم خواسته می شود. زندگی و آینده کارگر و خانواده اش در این تصویر گم است. این منطق سرمایه داری است که اکنون هارتر شده است.

تا آنجا که مشخصاً به نساجی کردستان برمی گردد، اطلاعاتیه چیز دیگری نگفته است که قرار است چه بلائی به سر کارخانه بیاید. آیا کارخانه را برای همیشه خواهند بست و زمینش را مثلاً مسکونی می کنند؟ یا اینکه تولید در رشته دیگری را شروع خواهند کرد؟! ما کارگران هیچگونه اصراری نداریم که حتماً باید با سرمایه در نساجی کردستان پارچه تولید شود! شما حتی اگر به مبارزات کارگران ماشین شکن در انگلستان معروف به لادایت (Luddite) در قرن ۱۷ میلادی هم نگاه کنید، هیچوقت مسئله بر سر این نبود که کارگران با صنعتی شدن و یا با مدرن شدن مخالف باشند، بلکه مسئله این

بود که اگر قرار است با ماشینی شدن و مدرنیزاسیون تولید راحتتر بشود، کارگرانی هم که از کار بیکار می شوند باید بیمه بیکاری مکفی دریافت کنند و زندگی راحتی داشته باشند. مسئله اینجا هم همین است. مدیریت نساجی کردستان با زحمات کارگران این نساجی پول بهم زده است و سرمایه انباشت کرده است. اگر قرار است در رشته دیگری تولید را شروع کنند، باید کارگران را در آن رشته آموزش داده و به اشتغال در آورند.

اگر قرار است در رشته دیگری در محل و شهر دیگری تولید را شروع کند، باید همان دولتی که دسته دسته پاسدار و بسیجی برای حفاظت از او سراغ کارگران می فرستاد، زندگی این کارگران را تأمین کند. اصلاً به کارگر چه ربطی دارد که "روند عادی تولید" این کارخانه دچار اخلاص شده است؟! یا اینکه "مؤسسات مالی و دولت" به مدیریت کمک مالی نمی کنند. چرا "عدم توانائی تأمین نقدینگی برای تهیه مواد اولیه" باید آینده کارگران و خانواده شان را به مخاطره بیناندازد؟! مگر کارگران را در مدیریت شرکت داده اند؟! اینها بهانه هائی بیش نیستند. کارگران باید به این بهانه ها اینچنین بنگرند: اگر اینها توطئه برای خلاص شدن از شر کارگران دائم نیستند، عدم صلاحیت آنها در مدیریت جامعه را می رساند. در نتیجه محترمانه و بدون ایجاد دردسر برای جامعه کناری بروند تا خود کارگران تولید را سازمان بدهند.

ایسکرا: کارگران چکار بکنند؟ این موضوع چه ربطی به کارگران دیگر مراکز دارد؟

ناصر اصغری: دو جنبه دارد. اولاً در اینجا ما با تعدادی کارگر مشخص روبرو هستیم که در معرض اخراج و بیکار شدن قرار دارند. باید همین کارگران متحدانه و یکپارچه بر علیه این اخراج ها بایستند. بگویند که چنین حرفهائی تو آستین شان نمی رود. باید کل شهر سنجند و بطور مشخص کارگران نساجی های شاهو و پریس که چنین سرنوشتی در انتظار آنها نیز هست، و اعتراضات مشابهی را نیز داشته

اند، به این اعتراض بپیوندند. در دوره گذشته شاهد بودیم که رژیم از ارتباط کارگران با حزب کمونیست کارگری و تلویزیون کانال جدید چه وحشتی داشت و این ارتباط چه تأثیری در به پیروزی رساندن مبارزات کارگران داشت. این تاکتیکی است که کارگران این دوره هم باید مد نظر داشته باشند. جنبه دیگر مسئله این است که

یک پروژه رژیم اسلامی این است که کارگران هر چه بیشتری را قرارداد موقت بکند. اکنون مبارزه بر علیه قراردادهای موقت یک عرصه از مبارزه کارگران در محیط کار است. بخش هر چه بیشتری از کارگران این توطئه را باید مشخصاً توطئه بر علیه خود بدانند. اگر عوامل ریز و درشت رژیم اسلامی بتوانند در این طرح موفق شوند، چنین طرح هائی را در مراکز تولیدی دیگری نیز، که با مواعی چون اعتراضات کارگری روبرو بوده اند، به اجرا خواهند آورد. اگر جایی بتوانند بدون دردسر و بدون اعتراض کارگران قدیمی را اخراج و بعداً بصورت قراردادی استخدام کنند، با همان عنوان این کار را می کنند. اما اگر با اعتراض روبرو شوند، هر نوع ترفند اسلامی و غیراسلامی را بکار می گیرند.

یک نکته عمومی تر این است که در چنین وضعیت اقتصادی، و بحرانی را که دامنگیر جامعه کرده اند، بیکار شدن فقط بیکار شدن نیست؛ پرتاب شدن به فقر و فلاکتی بینهایت است. تجربه نشان داده است که با پول باز خرید کارگر نمی تواند هیچ مشکلی را از خود حل کند. حتی کفاف دو ماه کرایه خانه را هم نمی دهد. دود بیکار شدن در چنین مواقعی به چشم همه می رود. بیکاری همیشه مشکل کل جامعه بوده است. اما در موقعیتی که مردم را به آن پرتاب کرده اند، بیکار کردن دسته جمعی کارگران یک و یا چند کارخانه، یعنی بخشی از جامعه را به معنای واقعی کلمه نابود کردن! جلو این را باید گرفت. جامعه و بطور مشخص طبقه کارگر توان این را دارد؛ فقط باید به آن پی

ادامه اعتراض شیرین ...

انتخابات برای مشروعیت آن وجود دارد؟! آنهم انتخاباتی که قرار است خود همین اسلام سیاسی با دست خودش، برای خودش راه بیندازد! جوك نیست؟ بهر رو ایشان هر چقدر دلارهای اهدایی به اسم "مدافعین حقوق زن مسلمان" را که البته وعده آن را خانم رایس همین چند ماه قبل به امثال شیرین عبادیهای خاورمیانه داده بود، خرج کمیته درست کردن برای "انتخابات آزاد" و "صلح" و ... کرد، حاصلی نداشت. نشان به آن نشان که حتی يك پیش لوزه انقلاب نارنجی هم برپا نشد، چه رسد به انتخابات آزاد تحت حاکمیت رژیم اسلامی! ایشان بعد از گرفتن جایزه ۵۰۰ هزار دلاری، هر چقدر تلاش کرد اسلام و قوانین اسلامی را با حقوق بشر آشتی دهد، نشد که نشد که نشد! نه سنگسار حقوق بشری شد! نه حجاب حقوق بشری شد! نه آپارتاید جنسی رنگ حقوق بشر به خود گرفت. کار بجایی رسید که حتی دو خردا دیها، اکثریتیها و توده ایهای ورشکسته هم چرتشان پاره شد، فریاد بر سر ایشان زده و خواستار پس دادن گلکهای اهدایی شان جهت نوبل شدند! لذا شیرین عبادی از این تلاش خود آنچنان نومید شد که این بار تلاش کرد در مصاحبه هایش، حقوق بشر را اسلامی کند! حجت الاسلام! شیرین عبادی اینبار در نرژ و فنلاند توضیح المسائل در باب قضا بودن یا نبودن نماز و روزه در

نیمه تاریک سال در این ممالک را، به موضوع مصاحبه های خود بدل نمود! مبارزه وسیع ما برای افشای پروژه نوبل، شیرین عبادی را سر جایش نشانده. نشان دادیم، مدلل کردیم که هدف تقلای شیرین عبادی، تقویت پروژه شکست خورده اسلام میانه رو و استحاله تدریجی نظام است. پروژه ای پوچ و عبث که زیر چتر دوم خرداد، فقط و تنها با امید پس زدن مردم از خواست تغییر اوضاع و سرنوشتی کامل رژیم اسلامی بدست گرفته شده بود. میخواستند مردم ما را به يك بسته بندی جدید از اسلام اهلی شده و قوانین اسلامی تلطیف شده به تمکین، رضایت و تسلیم بکشانند. کمپین ما علیه نوبل و اهداف شیرین عبادی باعث شد تا حتی راستها، دو خردا دیها، سازشکاران حرفه ای و نان به نرخ روز خور اپوزیسیون، لکنت زبان بگیرند، تبریکاتشان را قایم کنند و پس بگیرند. با يك برش رادیکال در افشای این سیاست آن را عقب راندیم. نماینده نه مردم شدیم. حتما هنوز خاطره کمپین ما در اذهان بسیاری زنده است.

پس از این شکست سخت، این بار شیرین عبادی با اعتراض به لایحه خانواده، فرصت را برای يك کام بگ سیاسی مناسب دیده است! آنقدر این لایحه ارتجاعی

است، آنقدر این لایحه در نزد عموم مردم ایران ایجاد خشم و نفرت کرده است، آنقدر در اعتراض به این لایحه امکان جلو آمدن و پرش جنبش ما در نقد رادیکال و ریشه ای کلیه مبانی فکری، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فلسفی اسلام و حکومت اسلامی وجود دارد و مهیاست که ایشان از ترس به نفس نفس افتاده، تقلا میکند خود را به جلو مجلس برساند و در صحن مجلس يك شلوغی راه بیندازد. گویا دوباره يك جایی جایزه گرفته، کفش و کلاه بکند، تا میادا مردم و زنان پایشان را از گلیم بافته شده اسلام میانه رو و نقد آبکی لایحه خانواده آنورتر بگذارند. علت ابراز وجود شیرین عبادی و تاکیدات وی مبنی بر اسلامی نبودن لایحه خانواده همین ترس و وحشت است. از قضا شیرین عبادی بهتر از هر کسی میداند که نقد لایحه خانواده، مردم را دنبال نقد قرآن و قوانین اسلام ناب محمدی و حکومت میفرستد. مردم مانند شیرین عبادی بدهکاری به خدا و پیغمبر و نمایندگانش در روی زمین ندارند. مردم میگویند صیغه نمی خواهیم! حجاب نمی خواهیم! تعدد زوجات کار پیغمبر و اولیانش در ایران است! ما نمسی خواهیم! حکومت اسلامی و قوانینش را نمیخواهیم! این وضعیت در ایران نه در شان زن است، نه در شان مرد است و نه در شان کل بشریت! همین زاویه اعتراض رادیکال و صد در صدی،

ایشان و همدستانشان را به شدت ترسانده است و مترصد تحرك کرده است. بیهوده نیست در چند ماه اخیر جابجا همکاران خانم عبادی در کمپین يك میلیون امضا، همان حرفی را میزنند که داریوش همایون در حزب مشروطه میزند. به جای نقد کل اسلام و قوانین اسلامی، باز هم فیلشان یاد هندوستان کرده، دم از اسلام خوب، متعارف و اهلی میزنند. اسلام را به دو بخش خوب و بد تقسیم و دم از نقد نو بنیادگرایی میزنند! دم از فراتر رفتن از سکولاریسم میزنند! هشدار میدهند که دین نباید از دست برود! هشدار میدهند که میادا نقد ستم بر زن کارش به نقد کلیت اسلام و کلیت حکومت بکشد! از همین روست که شیرین عبادی در بوق کرده است که در صورت مطرح شدن این لایحه، جلو مجلس تجمع خواهد کرد. درست در حالی که مدافعین لایحه ارتجاعی خانواده، نمایندگان دزد و مفت خور مجلس، آیت الله های میلیاردی و مراجع تقلید مرتجع و ضد زن بر این پافشاری میکنند که بند بند قوانین بکار گرفته در این لایحه، از جمله صیغه، تعدد زوجات، عدم حق برابر طلاق، عدم حق برابر شهادت و... نص صریح قرآن و قوانین اسلام در زمینه خانواده میباشد، ایشان از آنها در امور اسلام کارشناستر شده و اعلام میکنند که "این لایحه بدون کارشناسی تهیه شده و جالب آن است که حتی مخالف اسلام هم هست و فتاوی صادر شده در مورد

این لایحه این ادعا را ثابت می کند." (روز آن لاین) این اعتراض رسماً ارتجاعی است. این تقلا رسماً مذبذبانه و ریاکارانه است. این زاویه مخالفت، مطلقاً و ابداً ربطی به اعتراض برحق ما و جنبش برابری طلبی به لایحه خانواده رژیم ندارد. پیچ این اعتراض روی تقابلات درون نظام و خود شیرینی برای پروژه های غرب در مقابل نظام تنظیم شده است. شیرین عبادی میخواست با پروری هم از آخور بخورد و هم از کاهدان! نزدیک به ۱۰ سال است ایشان مدام از فتاوی آیت الله ها، کارشناسانی که قوانین اسلامی و حکومت را طوری کنار هم خواهند چید تا زیاد بوی گند آن به مشام نرسد، صحبت میکنند. از حقوق زن در اسلام صحبت میکنند. در مقابل خبرنگار فرانسوی که از ایشان در باره حجاب میپرسد، میگوید: "بله حجاب، فرهنگ زن مسلمان است!" و جالب اینجاست که در مقابل دول غربی هم، ژست معترض و مخالف و سکولار به خود میگیرند! ایشان به شیوه بازاری فکر میکنند میتواند سر هر دو طرف را يك جا کلاه بگذارد! بیچاره خانم رایس که به چنین "زنان مسلمانی" در خاورمیانه دل بسته است و آمریکا پروژه به بن بست رسیده تقویت اسلام میانه رو، مدلهای بی افق سیاسی در عراق و افغانستان را، هنوز که هنوز است از جیب مردم این کشور هزینه میکند.

صفحه ۵

دو گزارش از ...

اعتراض زده اند توانسته اند سرکوبگران را عقب برانند و تلاشهای آنها را خنثی کنند. نباید اجازه داد که نیروی سرکوب حکومت دست به این مانورها بزند. با مشاهده هر حرکت این مزدوران مردم آزادیخواه باید متحدانه و بطور جمعی اعتراض کنند و دست مرزودران حکومت را کوتاه کنند.

کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
۲۰ مرداد ۱۳۸۷
۱۰ اوت ۲۰۰۸

از شهر مهاباد روز ۱۹ مرداد فعالین حزب علیه طرح اقتصادی احمدی نژاد اطلاعیه حزب تحت عنوان "در پاسخ به طرح "جراحی اقتصادی" احمدی نژاد را همراه با تراکتهائی در سطح وسیعی در مناطق مختلف شهر پخش کردند.

رژیم اسلامی بدلیل اعتراض و نفرت وسیع مردم و ناتوان از مقابله با آن همواره تلاش میکنند برای ایجاد جو ارباب دست به اذیت و آزار مردم بزند. اما هر وقت و هر جایی که مردم معترض بطور هماهنگ و جمعی دست به

حمایت میکنند و از همه کارگران، تشکلهای کارگری و مردم سنندج میخواهد اعتراضات کارگران نساجی کردستان را بخشی از اعتراض و مبارزه خود بدانند و با تمام امکانات از آن حمایت کنند. ما تلاش میکنیم که صدای اعتراض کارگران نساجی کردستان را به همه سازمانهای کارگری و مدافع حقوق انسانی برسانیم. این مبارزه سخت و نابرابر میتواند و باید به نفع کارگران ختم شود.

کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
۲۰ مرداد ۱۳۸۷
۱۰ اوت ۲۰۰۸

میتواند قدرت مبارزه شما را چند برابر کند. شرکت خانواده ها و همسران کارگران در این تجمعات دستاوردهای مهمی بوده است که در سنندج نمونه های موفق دشته ایم. این موارد باید به عنوان نقاط قدرت مبارزاتمان به امری دائمی در این اعتراضات تبدیل شوند. به منظور اطلاع رسانی و کسب پشتیبانی بیشتر، رهبران و فعالین کارگری نساجی کردستان باید از رسانه های خبری استفاده کنند و خواست و مطالبه خود را به جامعه اطلاع بدهند.

حزب کمونیست کارگری ایران با تمام قدرت از خواست و حرکت اعتراضی شما کارگران نساجی

ادامه کارگران نساجی...

شما برای کل طبقه کارگر ایران تاکنون قابل توجه و آموزنده بوده است. این بار هم باید با اتحاد و همبستگی خود تلاش کنید این تعرض بیشرمانه کارفرما و دولت را به عکس خود تبدیل کنید. لازم است برای به عقب راندن کارفرما و اداره کار شما هم به هم قطاران خود توسل بجویید. باید با صدور بیانیه کارگران نساجی ضمن طرح مطالبات خود از مردم سنندج و سازمانهای کارگری بخواید شما را در این مبارزه یاری دهند. تجمع هر روزه و دعوت از کارگران دیگر مراکز کارگری و مردم سنندج

کوروش مدرسی تعلق به منصور حکمت و کمونیسم کارگری ندارد

بعد از انقلاب اکتبر در اکثر نقاط دنیا عباراتی چون مارکسیسم-لنینیسم و کمونیسم مد شد. راستترین جریانات واحزاب و دولت‌ها تحت نام کمونیسم سالیان مدیدی نظرات و حاکمیت ضد انسانی خود را بر جامعه بشری اعمال نمودند و این بار با استتارزیر پرچم و اردوگاه به اصطلاح سوسیالیسم انسان به دست انسان استثمار شد و وحشیانه ترین سرکوبها و اعدام و شکنجه در جوامعی بسته و عاری از هر گونه آزادی تحت عنوان "کمونیسم" "لنینیسم" و غیره صورت گرفت. اما بدینال فریاداشی بلوک شرق تمامی این پرچمها و تابلوها پایین کشیده شد و این احزاب و دولت‌ها یا متلاشی شدند و یا اسامی خود را تغییر دادند و اعلام شد که کمونیسم شکست خورد و دیگر پایان تاریخ است.

بنابر این بار دیگر سرمایه داری جهانی فرصت را غنیمت شمرده و با اعلام نظم نوین جهانی و سرمایه داری بازار آزاد عرصه را بر طبقه کارگر تنگتر کرده و با بازپس گیری دستاوردهای طبقه کارگر حتی در کشورهای اروپایی و با علم کردن قومیت و مذهب انسانها را در مقابل هم قرار دادند و به بهانه آوردن "دموکراسی" جنگهای خونین راه

رم کردن مردم از سوسیالیسم و غیره" عملا رخت خود را از منصور حکمت و کمونیسم کارگری بر بست و بزرگترین حزب کمونیستی در سطح منطقه را دچار انشعاب کرد و بسان چپهای بورژوایی و غیر کارگری که دوران زیادی خود را مارکسیست-لنینست معرفی می کردند ایشان نیز متاسفانه تحت نام حکمتیست خواست نظرات راست خود را اعتباری ببخشند.

کوروش مدرسی و جریانش به شدت دچار بی افقی گشته و عدم تحلیل درست و شکستهای پی در پی موجب شد که روزبه روز اطرافیان بیشتر متوجه شوند که در این انتخاب اشتباه کردند. این اتفاقات موجبات عصبانیت هر چه بیشتر آقای مدرسی را فراهم نموده و هر از چند گاهی که در رسانه ای ظاهر می شود و در نهایت بددهنی فحش و بدویبراه گفتن را سبک بیان خود قرار داده است. جالب این است که این سبک بیان شامل حال همه می شود!! از کارگر نفت گرفته تا مردم آذربایجان و اشخاص در تشکیلات خودشان و جریانات سیاسی در اپوزسیون و غیره .

در این میان اما بیشتر از هر کس افرادی که خود را مدافع کومه له قدیم و یا جدید میدانند و محفل شکست خورده و بی هویتی مثل آذین - مقدم به بهانه سیاستهای راست و بد دهنیهای کوروش

مدرسی تنفر خود از کمونیسم و سوسیالیسم را با حمله به منصور حکمت ابراز می دارند. لازم به ذکر است اگر مردم در جنبشهای اعتراضی پلاکاردهای آزادی، برابری، سوسیالیسم یا بربریت و شعار حکومت اسلامی نمی خواهیم و حکومت کارگری را سر می دهند این پرچم منصور حکمت و حزیش است نه پرچم کوروش مدرسی با تزههای راست و غیر کمونیستیش که یکی پس از دیگری با شکست روبرو شده اند.

اگر قرار بود مردم از سوسیالیسم رم کنند و جنبش سرنگونی شکست خورده بود و سر مرزها سیاست بحران سازی به جایی رسیده بود و یا جمهوری اسلامی متعارف شده بود و دولت حجازیانی برپا شده بود و مجلس موسسان و نافرمانی مدنی اعتباری کسب کرده بود و... همگی موفقیت تزههای آقای مدرسی محسوب میشد. اگر این تزهها با شکست و بی اعتباری مواجه شده اند در نزد انسانهای منصف خوب و بدش به پای گوینده و مدافعینش نوشته میشود. در حالی که هیچکدام از این تزههای آقای مدرسی ربطی به منصور حکمت و کمونیسم کارگری ندارد.

این دوستان بدانند که احزابی چون اکثریت، حزب توده، حزب شیوعی عراق، کومه له رنجدران و دیگر احزاب راستی که در قرن بیستم

بنابر مصالحشان از نام و اعتبار مارکس و لنین سواستفاده می کردند کوروش مدرسی هم در این دوره از این رویه استفاده کرده و چون میدانند کمونیسم و برابرطلبی با منصور حکمت تداعی می شود واژه حکمتیسم را بدک می کشد. وگرنه شما حضرات تا چه اندازه به کسب قدرت سیاسی و کمونیسم پراتیک و تحقق جمهوری سوسیالیستی اعتقاد دارید آقای مدرسی هم به همین اندازه به منصور حکمت مرتبط است. پس بنابراین کوروش از خانواده و جنبش شما می باشد و تعلق به منصور حکمت و کمونیسم کارگری ندارد و به نفعتان نیست که خود را به بهانه جریانی بی افق درگیر جنگی بسازید که در آن با دژ محکمی روبرو می شوید که در آن کمونیستهای کارگری با عزمی راسخ پرچم منصور حکمت را در دست دارند و از آن دفاع می کنند. این یک جنبش معین است که در جامعه با استقبال مواجه شده است و هیچ جریان حاشیه ای و غیر اجتماعی و درمانده نمیتواند آنرا به تزههای راست و غیر کمونیستی مدرسی وصل کند. مطمئن باشید که در این جنگ بازنده خواهید بود.

زنده باد سوسیالیسم
زنده باد منصور حکمت
۲۱/۵/۱۳۸۷

اعتصاب طولانی مدت کارگران لاستیک البرز ادامه دارد

نیز بیش از ۱۰۰۰ کارگر در محوطه کارخانه جمع شدند و با زدن به زده های مقابل کارخانه اعتراض خود را بیان کردند. تاکنون وعده های زیادی به کارگران داده شده اما هیچکدام عملی نشده است. بنا به وعده های قبلی قرار بود که فردا سه شنبه جلسه ویژه ای برای رسیدگی به مشکل کارگران در وزارت کار برپا شود. اما کارگران مطلع شدند که این جلسه به بهانه کافی نبودن مدارک به تعویق افتاده است. این موضوع اعتراض کارگران را بیشتر برانگیخت. امروز کارگران قرار بود با خانواده های خود به مقابل وزارت

کارگران کیان تایر (لاستیک البرز) امروز سی و دومین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. کارگران اعتصابی خواهان پرداخت فوری چهار ماه حقوق معوقه و تداوم کار خود هستند و هرروز در کارخانه جمع میشوند و برای انعکاس صدای اعتراض خود به انتکارات مختلفی دست میزنند. آتش زدن لاستیک، تجمع در مقابل زده های کارخانه، حضور در خیابان و غیره مجموعه اقداماتی است که کارگران به آن دست میزنند تا مردم هرچه بیشتری را از اعتراض و اعتصاب خود مطلع کنند. از صبح امروز دوشنبه

کارگران فرسوده میشوند و مبارزه شان به جانی نمیرسد. بیش از هزار کارگر این کارخانه و خانواده های آنها نیروی عظیمی هستند که در صورت یک مبارزه سازمان یافته میتوانند کارفرما و دولت را کاملاً به عقب برانند و به خواستهای بحق خود برسند. حزب کمونیست کارگری خانواده های کارگران کیان تایر و سایر مراکز کارگری و مردم آزادبخواه را به حمایت هرچه گسترده تر از خواستها و مبارزات کارگران کیان تایر فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اوت ۲۰۰۸،
۲۱ مرداد ۱۳۸۷

تعداد معدودی میشود ۴۰۰ هزار تومان و برخی دستمزدها تنها ۱۰۰ هزار تومان است. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزه کارگران کیان تایر حمایت میکند. اتحاد مستحکم کارگران، دست زدن به تجمعات اعتراضی در مقابل ادارات دولتی و شرکت گسترده خانواده های کارگران در این تجمعات، انعکاس هرروزه خبر مبارزه کارگران از طریق کانال جدید و هر رسانه دیگری که صدای اعتراض کارگران را منعکس میکند و تلاش برای جلب همبستگی سایر مراکز کارگری، از جمله امکاناتی است که کارگران کیان تایر باید بطور سازمان یافته به آن دست بزنند. در غیر اینصورت

حکم اعدام حبیب الله لطیفی باید لغو شود!

حبیب الله لطیفی دانشجوی حقوق دانشگاه ایلام که در مهرماه سال گذشته بازداشت شده بود بعد از گذشت حدود یکسال و تحمل شدید ترین شکنجه ها به اعدام محکوم گردید.

حبیب الله لطیفی که از فعالین اجتماعی سنندج می باشد در اثر شکنجه ها و وضعیت غیر انسانی شرایط زندان دچار بیماری های

زیادی شده است. در این شرایط جمهوری اسلامی حبیب الله لطیفی را به وابستگی به گروه های "محراب" متهم کرده و برای او حکم اعدام صادر کرده است.

صدور احکام اعدام برای فعالین سیاسی و اجتماعی دور جدیدی از برخورد جمهوری اسلامی با جامعه است، بازگشت جمهوری اسلامی به راهکارهای دهه ۶۰ است. اعدام به بهانه "اوباش و اراذل" و حتی کشتار

غیر رسمی فعالین اجتماعی و دانشجویان، مانند ابراهیم لطف الهی دیگر جواب نیاز حکومت منحوس اسلامی به سرکوب را نمی دهد. جمهوری اسلامی نیاز دارد مستقیماً و رسماً هر گونه فعالیت برای بهبود وضعیت زندگی را با شلاق و اعدام جواب بدهد. اعدام یعقوب مهر نهاد و احکام اعدام فرزند کمانگر و انور حسین پناهی و امروز حبیب الله لطیفی نیاز

جمهوری اسلامی به خون برای بقا را نشان می دهد. انتساب فعالین اجتماعی به گروه های محارب یکی از حربه های جمهوری اسلامی برای کشتار فعالین اجتماعی است و بهانه ایست تا هر کسی را که بخواهد به آن متهم، و اعدام کند.

باید در مقابل این احکام قاطعانه ایستاد. باید گسترده ترین اعتراضات را علیه بربریت اسلامی حاکم در ایران سازمان داد. سازمان جوانان کمونیست حکم وحشیانه

اعدام حبیب الله لطیفی را محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط اوست و از همه نهادهای مدافع حقوق انسانی می خواهد به این احکام وحشیانه اعتراض کنند و مانع کشتار مردم توسط جمهوری اسلامی شوند.

سازمان جوانان کمونیست
۲۳ مرداد ۸۶، ۱۳ آگوست
۲۰۰۸

ادامه اعتراض شیرین ...

اسلام یعنی همین که در ایران به چشم میبینیم! یعنی جشن تکلیف دختر بچه های معصوم! یعنی ۳۰ سال اختناق حجاب! یعنی قتل عمد دولتی با سنگ و چوبه دار! یعنی دادگاههای محرومیت از حق طلاق و بعود شکارگاه صیغه شدن زنان به قضا! یعنی شوهر دادن دختر بچه ۱۳ ساله! یعنی زندگی کبری رحمانپور و عاطفه رجیبی! یعنی....

شیرین عبادی خودش همه اینها را میداند. علت تقلای شیرین عبادی این نیست که نمیداند اسلام برای زنان و مردان این مملکت یعنی همین جهنم موجود و تحت حاکمیت نظام! شیرین عبادی دنبال پروژه سیاسی خودش میباشد. یک علت تمایل ایشان به برپایی شلوغی جلو مجلس با پشت بند فتوای آیت الله ها، دخالت کردن و تاثیر گذاشتن روی کمپین انتخاباتی جناحهای مختلف حاکمیت است. ایشان

شیرین عبادی میگوید این لایحه مخالف اسلام است! کدام اسلام؟ صیغه، تعدد زوجات، حجاب اجباری، آپارتاید جنسی، سنگسار، نفی حق زنان در طلاق و حضانت، نص صریح قرآن و قوانین اسلامی است. نسخه کارشناسانه تر مورد نظر شیرین عبادی هم الان در عراق جزو قوانین اساسی کشور است. لایحه ای که با فتوای همان آیت الله های میانه رو نوشته شده است و در جای جای آن بی حقوقی زن فرموله و اعلام شده است! لایحه ای که با اعتراض رهبران جنبش زنان در عراق، کسانی چون بنار محمد و هوزان محمود مواجه شده و دست رد خورده است. کجاست این اسلامی که در آن به شیوه کارشناسانه حق زن پایمال نشده است؟ زندگی خود پیامبران اسلام؟ سوره نسا در قرآن؟ مدل عربستان سعودی؟ ... ادعای شیرین عبادی پوچ است! مفت است! ارتجاع محض است!

میخواهد برای کمیته انقلاب مخملی که درست کرده است از جنبش ما مشروعیت و سوسید مفتکی بگیرد! هدف ایشان، فقط و تنها ممانعت از موج اعتراض بر حق مردم و مخدوش کردن و بریدن و مثله کردن آن است. حقوق زن برای ایشان بهانه است! آدرس فتوا و مراجع تقلید و آیت الله های گروهبندهای درون حاکمیت آدرس واقعی است که ایشان دنبال آن است. همانها که قرار است در پروژه ایشان، در صورت ایجاد تغییرات سیاسی در جامعه، با کوتاه کردن دست مردم، دوباره این بار با همکاری امثال شیرین عبادی، بساط کارشناسانه شان را برای سرکوب متجدد زنان پهن کنند!

نه! اجازه نمی دهیم! شیرین عبادی حالا حالاها باید پشت این سناریو بدود. ایشان و همه سازشکاران و دو خردادها، پرو غریبهای حاشیه نظام بدانند که تا ما هستیم و پرچم اعتراض رادیکال علیه اسلام و قوانینش برای دفاع از حقوق زن در این

جامعه برپاست، نمی گذاریم اسلام و قوانینش را در هیچ بسته بندی به کسی بفروشند. حرف ما و مردم ایران روشن است. ما حکومت و قوانین اسلامی را نمی خواهیم! نمی خواهیم، یعنی اصلاً نمی خواهیم! نه تفسیر خمینی را! نه تفسیر منتظری را! نه خامنه ایی و خاتمی و نه شیرین عبادی را! ما به هیچ وجه من الوجوه اسلام را در قوانین جاری مملکت، در حکومت، در آموزش و پرورش و در زندگی اجتماعی مردم نمی خواهیم. به کمتر از سرنگونی نظام هم رضایت نمی دهیم. اعتراض ما علیه لایحه خانواده قالب اعتراض جنبش ما برای سرنگونی نظام است. مردم ایران و جنبش آزادی زن در مقابل لایحه خانواده و رژیم اسلامی، حتی یک میلی متر به اعتراض از زاویه ارتجاع میانه رو تخفیف نمی دهند. جنبش برابری طلبی جای این افاضات سرهم بندی شده سازشکارانه و آخوندی نیست. مردم با صدای بلند اعلام کرده اند حکومت اسلامی و قوانینش را مطلقاً نمی خواهند!

لذا ما هر جایی که تجمع کنیم، هر فرصتی که برای اعتراض پیدا کنیم به کلیت قوانین اسلامی و مفاد این لایحه اعتراض میکنیم و امکان ابراز وجود به آبرو خریدن برای اسلام نمی دهیم. شیرین عبادی بهتر است یک بار دیگر افتضاح سیاسی نوبل را برای خود نخرد!

پاسخ ما به هر گونه ائتلاف و جبهه سازی که بخواهد سر سوزنی به اسلام و قوانینش تخفیف بدهد این است که بر علیه لایحه رژیم می جنگیم، در همان حال این انتقادات را میکوبیم و افشا میکنیم! سر حقوق مردم ایران کسی نمیتواند سازش و زد و بند و ائتلاف بکند!

ما همه زنان و مردان آزادیخواه را فرا میخوانیم برای عقب راندن رژیم اسلامی، برای سرنگون کردن این رژیم ضد زن به دور پرچم حزب کمونیست کارگری ایران گرد بیایند!

اساسی به حرمت انسانی و کارگران و مردم است. مردم سنندج باید جواب محکم و درخوری به این احکام بدهند. ما همه سازمانهای کارگری و مدافع حقوق انسانی را به اعتراض علیه این توحش اسلامی فرا میخوانیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ مرداد ۱۳۸۷ -
۱۰ اوت ۲۰۰۸

در باره صدور احکام زندان و شلاق بر علیه شرکت کنندگان

در مراسم اول ماه مه سنندج

خانی به ۹۱ روز زندان و ۴۰ ضربه شلاق و سید غالب حسینی به ۶ ماه زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده اند.

یک سال قبل احکامی مشابه بر علیه ۱۱ نفر از کارگران سنندج به جرم شرکت در مراسم اول ماه مه صادر شد. آن احکام با اعتراضات گسترده روبرو شد و در نهایت

بر اساس خبر اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز ۱۵ مرداد دادگاه شعبه ۱۰۱ جزایی سنندج برای چهار نفر از شرکت کنندگان در مراسم اول ماه مه سال ۸۷ در این شهر حکم زندان و شلاق صادر کرده است. سوسن رازانی و شیوا خیر آبادی هر کدام به ۴ ماه زندان و ۱۵ ضربه شلاق، عبدالله

رژیم اسلامی ناچار به لغو آن احکام گردید. جمهوری اسلامی اکنون برای عقب راندن اعتراضات کارگری در سنندج یک بار دیگر این احکام ضد انسانی را بر علیه ۴ نفر از شرکت کننده گان اول مه امسال بکار گرفته است.

کارگران مردم آزادیخواه! احکام شلاق و زندان بر

علیه کارگران توهین و بیحرمتی به کل جامعه بشری است. این احکام اسلامی و ضد انسانی برای دفاع از سرمایه داران و تحمیل فقر و فلاکت به مردم است. این احکام برای خفه کردن صدای کارگران و تحمیل شرایط کارفرماها به کارگران است. این احکام توهین آشکاری به کرامت انسان است. باید علیه این توحش اسلامی به میدان آمد. نباید جامعه نظاره گر این توحش باشد. این یک تعرض

در اعلام همبستگی با کارگران نساجی کردستان تعدادی از کارگران کارخانه های پریس، فرش غرب بافت و شاهو در تجمع آنان شرکت کردند

وارد اداره کار شدند.

در تجمع امروز مأمورین نیروی انتظامی از در دست گرفتن پلاکارد توسط کارگران جلوگیری کردند و طی مذاکراتی که ما بین مسئولین اداره کار و کارگران صورت گرفت مسئولین این اداره قول پیگیری خواستههای آنان را دادند. کارگران نساجی کردستان در این تجمع با امضای طوماری که آنرا به اداره کار تحویل دادند خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه خود و کار شدند.

لازم به یادآوری است کارفرمای نساجی کردستان قبل از اعلام تعطیلی کامل کارخانه به کارگران

همبستگی با کارگران نساجی کردستان در این تجمع شرکت کرده بودند و در پاسخ رئیس حراست اداره کار و مسئولین نیروی انتظامی مبنی بر اینکه "مسائل کارگران نساجی از مسائل شما جداست و باید از اینجا بروید"، اظهار داشتند: مسائل ما کارگران از هم جدا نیست و یکی است و ما وظیفه داریم از همدیگر حمایت کنیم. این کارگران علی‌رغم هشدارهای رئیس حراست اداره کار و نیروی انتظامی تا پایان تجمع کارگران نساجی کردستان در این تجمع حضور داشتند و برخی از آنان به همراه کارگران نساجی کردستان

امروز مورخه ۲۱/۵/۱۳۸۷ کارگران نساجی کردستان پس از تجمع در مقابل کارخانه به مقابل اداره کار رفتند و از ساعت ده صبح تا ۳۰/۱۲ ظهر در آنجا دست به تجمع زدند.

در این تجمع کارگرانی از سایر کارخانه های سنندج نیز به مقابل اداره کار آمده بودند و زمانی که کارگران نساجی کردستان به مقابل اداره کار رسیدند آنان پیشاپیش در آنجا حضور پیدا کرده بودند.

این کارگران بنا به فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران از کارخانه های پریس، فرش غرب بافت و شاهو برای حمایت و اعلام

تا آخر مرداد مرخصی تابستانی داده بود و پس از آن بود که کارخانه را تعطیل اعلام کرد.

امروز کارگران نساجی کردستان اعلام کردند دوم شهریور ماه بر سر کارهای خود باز خواهند گشت و چنانچه کارخانه تعطیل باشد با شدت بیشتری اعتراضات خود را از سر خواهند گرفت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران بر عزم و اراده کارگران کارخانه های پریس، غرب بافت و شاهو که در همبستگی با کارگران نساجی کردستان در تجمع امروز آنان شرکت کرده بودند درود می فرستد و آنرا یک گام مهم و حیاتی در سازمانیابی طبقه کارگر و گسترش



اعتراضات متحدانه فرا کارخانه ای ارزیابی میکند.

حضور کارگران این کارخانه ها در تجمع امروز کارگران نساجی کردستان نوید بخش دوره جدیدی در شکوفایی و پیشروی جنبش کارگری ایران است و بی تردید در تداوم اش تاثیرات سرنوشت سازی بر دست یابی کارگران به مطالبات انسانی شان از خود بر جای خواهد گذاشت زنده باد همبستگی کارگری اتحادیه آزاد کارگران ایران ۲۱/۵/۱۳۸۷

همچنانکه نمایندگان کارگران در مذاکره با اداره کار اعلام کرده اند کارگران بجز اتحاد و متشکل شدن و ادامه اعتراض راهی برای رسیدن به مطالباتشان ندارند. ما همه کارگران و مردم آزادیخواه سنندج را فرا میخوانیم که از این اعتراضات حمایت کنند و اجازه ندهند اداره کار و مسئولین دولتی در همدستی با کارفرما حق کارگران را پایمال کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ مرداد ۱۳۸۷ -
۱۱ اوت ۲۰۰۸

ندارند. کارگران نساجی کردستان طی نامه ای به فرمانداری، اداره کار و اطلاعات و... اعلام کردند که خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه و بازگشت به کار هستند.

رفقای کارگر!
ترفندهای اداره کار و کارفرما تحت عناوین مختلف (تعطیلات تابستانی، بیمه بیکاری و بازخرید و دسته بندی کارگران در گروه هایی متفاوت و...) همگی برای ایجاد تفرقه در میان کارگران و شکست مبارزات کارگران است. حرکت همبسته و متحدانه روز دوشنبه در مقابل اداره کار سنندج میتواند آغاز همبستگی کارگری در سطح بسیار وسیعتری باشد.

مشکلاتمان مشترک است و تنها به همبستگی خودمان اعتماد داریم.

ساعت ۱۱ نمایندگان حراست اداره کار به داخل تجمع کارگران در مقابل این اداره آمدند و باز هم وعده و وعیدهای گذشته خود را تکرار کردند. آنها اعلام کردند که نساجی تا اوایل شهریور تعطیل خواهد ماند و از این تاریخ اداره کار با کارفرما هماهنگ میکند که مشکلات کارگران حل شود و...

اما نمایندگانی از کارگران نساجی و فرش غرب بافت به حراست اداره کار اعلام کردند که به این وعده و وعیدها اعتمادی

ادامه کارگران نساجی کردستان به ...

اعتراض به اخراجهای اخیر، دستمزدهای معوقه و سیاستهای سرکوبگرانه کارفرما و همکاری اداره کار و دیگر مسئولین دولتی با کارفرماها شاکای بودند و اعلام کردند که ما کارگران همگی با یک مشکل مشابه روبرو هستیم. نمایندگان کارگران همچنین تاکید کردند که ما کارگران همه کارخانه ها راهی بجز همبستگی و با هم بودن نداریم و اداره کار و کارفرما نمیتوانند با سیاستهای تفرقه افکنانه ما را از هم جدا کنند. نمایندگان کارگران در این مذاکره اعلام کردند ما کارگران

ساعت یازده و نیم صبح ادامه داشت.

نیروهای انتظامی مثل روزهای قبل سرو کله شان پیدا شد اما کارگران بدون اعتنا به آنها تجمع اعتراضی خود را ادامه دادند. در جریان این تجمع نمایندگان از کارگران معترض حاضر که از نمایندگان همه مراکز کارگری شرکت کننده در این تجمع تشکیل شده بود به داخل اداره کار رفته و با رئیس اداره کار و دیگر مسئولین دولتی وارد مذاکره شدند.

هیئت نمایندگی کارگران در

یک دنیای بهتر
برنامه حزب را
بخوانید
و در سطح وسیع توزیع
کنید



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!